

تعامل دو سویه اقتصاد و کارآفرینی و مقایسه شاخص های اقتصادی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای برگزیده

سید اکبر نیلی پور طباطبایی، حمید فروزانفر ، هومن فروزانفر

۱-استادیار، منابع انسانی، پژوهشگاه شاخص پژوه اصفهان

۲-نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری کارآفرینی پژوهشگاه شاخص پژوه اصفهان

۳-ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران

چکیده

تاثیر کارآفرینی در اشتغال زایی، توسعه فناوری، ترغیب سرمایه گذاری، ایجاد کسب و کارهای نوین، افزایش رفاه اجتماعی و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی شناخته شده است. مطالعه پیشینه پارادایم کارآفرینی مبین این مطلب است که صاحب نظران اقتصادی از دیر باز آن را به عنوان استراتژی مهم توسعه معرفی کرده اند. امروز نیز این مفهوم و یا بهتر بگوییم راهبرد به عنوان مزیت و شایستگی رقابتی شرکت ها و کشورها مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان و در نتیجه بنگاه ها و کشورها می باشد. در این مقاله سعی شده است، تعامل دو مفهوم کارآفرینی و اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد و مطالعات تطبیقی در کشورهایی که امروز لقب بیره های اقتصادی گرفته اند، از نظر شاخص های کارآفرینی که مرتبط با توسعه اقتصادی است، انجام شود. بررسی و مطالعه شاخص های توانایی سرمایه گذاری مخاطره پذیر برای توسعه کسب و کار، سرانه تولید ناخالص داخلی، نگرش مدیران کشور به کارآفرینی، هزینه کل تحقیقات، سهولت راه اندازی کسب و کار، سهم شرکت های کوچک و متوسط از کل شرکت ها، نرخ تورم و نرخ بیکاری در کشورهای مورد بررسی به غیر از کشور ایران حاکی از وضعیت مطلوب موجود در این کشورهاست. به نظر می رسد، در شرایط کنونی جامعه ایران که با جمعیت جوان کیفی بیکار مواجه هستیم، رویکرد ایجاد و توسعه کارآفرینی راهبرد مناسبی جهت خروج از بحران بیکاری، استفاده از ظرفیت های خالی بدون استفاده و عوامل اقتصادی سرگردان است، بنابراین شناخت و درک صحیح شاخص های اقتصادی موثر بر کارآفرینی، بررسی تاثیر سیاست های موثر بر کارآفرینی، درک اثرات مثبت کارآفرینی بر اقتصاد و مطالعه الگوهای به کار رفته در فرایند ایجاد و توسعه کارآفرینی کشورهای مورد بررسی می تواند تا حد بسیار زیادی راهنمای عملیاتی خوبی برای برنامه ریزی و سیاست گذاری کشورمان در این مقوله باشد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، سرمایه گذاری مخاطره پذیر، اقتصاد آزاد

۱- مقدمه

سازمان توسعه یافته سازمانی است که با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت های کارآفرین^۱ مولد تجهیز سازد، تا آن کارآفرینان با استفاده از قابلیت ها، مهارت ها و توانایی هایشان سایر منابع سازمان و جامعه را به سوی خلق ارزش و رشد و توسعه رهنمون سازند. کشورهای پیشرفته از دهه های قبل و برخی از کشور های در حال توسعه از دهه های اخیر نظر به نقش موثر و مثبت کارآفرینان در فرایند توسعه اقتصادی، ایجاد و توسعه کارآفرینی و بهره برداری از مهارت های کارآفرینان را جهت مواجه با مشکلاتی نظیر رکود، تورم و عدم اشتغال مورد توجه قرار داده اند. این توجه شامل تدوین راهبردها، سیاست ها، برنامه های عملی، توسعه روحیه کارآفرینان، آموزش، مشاوره، رفع موانع فعالیت آنان، تشویق و ارائه تسهیلات به آنان بوده که نتایج قابل ملاحظه ای به دنبال داشته است.

۲- بیان مساله

کارآفرینی مفهومی است که تاکنون از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و همه بر این باورند که کارآفرینی موتور محرکه ی توسعه ی اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. سه دلیل مهم توجه کشورها به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه ی فناوری و اشتغال مولد است (صفرزاده و فرهنگی، ۱۳۸۶).

موج گسترده فعالیت های اقتصادی و تکنولوژیکی همراه با تغییر فراگیر روش ها و نگرش ها طی دوره اخیر توجه بسیاری از سازمانها را به جذب نیروی انسانی خلاق، مستعد و کارآفرین، تقویت کارآفرینی و پرورش کارآفرینان سوق داده است. از سال ۱۹۸۰ تا کنون در اقتصاد امریکا فعالیت های کارآفرینانه بیش از ۴۰ میلیون شغل ایجاد کرده اند، در حالی که تعداد کارکنان شرکت های بزرگ بسیار کمتر شده است. آمارها حاکی از آن است که حدود ۹۵٪ از نوآوری های منجر به تحولات بنیادی در عرصه صنایع تولیدی و خدماتی را کسب و کارهای کارآفرینانه ایجاد کرده اند. (ملیتواس، ۱۳۸۰).

در ایران درصد اشتغال کارآفرینی در سال ۱۳۹۰، ۱۰/۵۷٪، سرانه تولید ناخالص داخلی ۴/۷۴۱، سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل ۴۰٪، نرخ تورم ۲۷/۳٪، نرخ بیکاری ۲۳٪ و رتبه ۱۳۷ از جهت سهولت راه اندازی کسب و کار بین ۱۸۳ کشور اعلام شده است. همان طور که ملاحظه می شود، با این که از منابع بسیار بیشتری نسبت به کشورهای همسایه آسیایی خود برخوردار هستیم، متأسفانه تفاوت های بسیار زیاد و ناراحت کننده ای از نظر شاخص های اقتصادی با آنها داریم. غالب مشکلات اقتصادی در کشور ما عدم به کارگیری همه عوامل اقتصادی، پایین بودن سطح بهره وری، بی توجهی به فناوری ها و فرصت های جدید، عدم اشتغال کامل نیروی انسانی و از این قبیل است. به نظر می رسد کارآفرینی تا حد زیادی می تواند راهبرد موفقی برای برون رفت از این موقعیت نامطلوب برای کشورمان باشد. افزایش فعالیت های کارآفرینانه منجر به افزایش تولید ناخالص ملی، افزایش درآمد ملی، رفاه عمومی و بهبود سایر شاخص های اقتصادی خواهد شد. گزارش سال ۲۰۱۱ بانک جهانی مبنی بر آسانی انجام کسب و کار در ایران حکایت از مشکلاتی

¹ - Entrepreneur

نظیر دخالت زیاد دولت در بازار، قوانین فزاینده، دستگاه های نظارتی متعدد و موازی و ریسک بالای فعالیت کارآفرینان دارد. بررسی ها نشان داده در کشور هایی که زیر ساخت ها و قوانین حمایتی مناسبی دارند، قانون مالکیت معنوی رعایت می شود، سرمایه گذاری قابل ملاحظه ای در بخش تحقیق و توسعه صرف می شود و تعامل صحیحی بین دانشگاه ها و بازار، صنایع و خدمات حاکم است، کارآفرینی در سطح بسیار بالاتر نسبت به سایر کشور هاست. همان طور که رشد اقتصادی با سطح فعالیت های کارآفرینانه هر کشور همبستگی مثبت دارد، حصول کارآفرینی هم نیازمند زیر ساخت و ساختار مساعد است. زیر ساخت ها و ساختارها همان مواردی است که مورد توجه کشورهای توسعه یافته برگزیده در این پژوهش قرار گرفته اند. مهمترین آنها زیر ساخت اقتصادی و حقوقی سازگار با شرایط و محتوای منطبق با مفاهیم ایجاد و توسعه کارآفرینی است. در این پژوهش در صدد هستیم به این سؤال که آیا بین وضعیت کارآفرینی در کشور ما و کشورهای منتخب فاصله وجود دارد یا خیر پاسخ دهیم.

۲- مبانی نظری پژوهش

الف- سیر تحول مفهوم کارآفرینی در نظریه های اقتصادی

در مکتب فیزیوکراسی^۱ اواخر قرن هفدهم به رهبری دکتر فرانسواکنه^۲ (۱۷۸۴) مواردی مانند: مساله تولید، اصل آزادی اقتصادی و احترام به مالکیت خصوصی و حذف سدهای گمرکی طرح شده است. این مکتب تولید را پشتوانه پیشرفت اقتصاد ملی می دانسته و علاوه بر بخش کشاورزی، بخش های صنعتی و بازرگانی و پولی را منابع تولید اقتصادی عنوان کرد. به عقیده فیزیوکرات ها باید همه محدودیت های اقتصادی را لغو نمود، تا هر کس در انتخاب و ایجاد کسب و کار خود آزاد باشد. آن ها بر خلاف مرکانتیلیسم ها با هر نوع دخالت دولت در امور اقتصادی مخالفت می کردند. فیزیوکرات ها عقیده داشتند، دست مردم در فعالیت های اقتصادی باید آزاد باشد و مالکیت خصوصی مورد احترام قرار گیرد (آنتونیسک و هیسریش، ۲۰۰۲). این مکتب اختصاصا به کارآفرینی اشاره ای نکرده است، ولی عقایدش می تواند به عنوان بن مایه و پشتوانه کارآفرینی لحاظ شود.

جان مینارد کینز^۳ (۱۹۳۶) استدلال می کند که تصمیمات بخش خصوصی گاهی اوقات ممکن است، منجر به نتایج ناکارا در اقتصاد کلان شود، بنابراین از سیاست گذاری فعال دولت در بخش عمومی حمایت می کند. از دیدگاه این مکتب کسب و کارهای نوین و کوچک می توانند ثروت ایجاد کنند و دارایی های دنیا را افزایش دهند و سیاست های دولتی شامل سیاست های پولی که توسط بانک مرکزی اعمال می شود و سیاست های مالی که در جهت پایدار سازی چرخه تجاری انجام می شود، نقش حامی برای آن ها ایفا می کند.

¹ Physiocracy

² Francois Quesnay

³ John Minard Keynes

در مکتب نئو لیبرالیسم^۱ به کارآفرینی اشاره شده است. بنیان گذار این مکتب اویکن^۲ (۱۹۴۱) است. نئو لیبرالیسم معتقد است، گشودن راه برای تحقق آزادی های کارفرینانه و مهارت های فردی در چهارچوبی که ویژگی بارز آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می تواند رفاه و بهره وری افراد را افزایش دهد. از نظر این مکتب نقش دولت ایجاد و حفظ یک چهارچوب نهادی مناسب برای عملکرد این افراد است. برای مثال دولت باید کیفیت و انسجام پول را تضمین کند، کارکرد و ساختارهای نظامی، دفاعی لازم برای تامین حقوق مالکیت خصوصی را ایجاد نماید و اگر بازارهایی در حوزه هایی مثل مراقبت های بهداشتی، تامین اجتماعی، حفظ محیط زیست و آموزش وجود نداشته باشد، دولت آن ها را ایجاد نماید و نباید بیش از این در امور دخالت کند. نقطه تفاوت لیبرالیسم با نئولیبرالیسم در تعریف آزادی است. لیبرالیسم به جای این که به آزادی رقابت بیاندهد، آزادی انتزاعی را مورد توجه قرار می داد، یعنی فقط توجه به خودآزادی که منجر به کارتل، تراست و سایر راه های ایجاد انحصار می شد. ولی باید گفت وقتی آزادی به شکل خودآزادی هدف باشد، ایجاد رقابت نمی تواند هدف لیبرالیسم باشد (کراتکو، مونتاگو و هارنس بای، ۱۹۹۶).

میلتون فریدمن^۳ (۱۹۷۰) از صاحب نظران مکتب شیکاگو است. او منشا تمام مشکلات را مداخله دولت در اقتصاد می داند. از دیدگاه این مکتب دولت مجاز به قانون گذاری برای ایجاد یک بازار آزاد نیست. فریدمن نظریه کارآفرینی اقتصادی را طرح کرد. از دیدگاه او رسالت اصلی شرکت در اقتصاد آزاد استفاده از منابع و امکانات موجود در دستیابی به سودآوری و اهداف اقتصادی است و هر فعالیت دیگری که مربوط به فعالیت های هزینه زا و خیر خواهانه باشد در خارج از محدوده فعالیت های بنگاه اقتصادی است. باید دامنه نفوذ و قدرت دولت را محدود کنیم و در عین حال کاری کنیم که دولت در انجام وظایف اصلی اش مثل دفاع از ملت در مقابل دیگران، نظارت های نظامی و حقوقی و قضاوت های منطقی و صحیح توانا تر شود (هارنس بای، کراتکو و نافزیجر، ۲۰۰۱).

جوزف شومپتر^۴ (۱۹۷۰) رویکرد کارآفرینی به مثابه نوآوری را طرح کرد. مفهومی از کارآفرینی که بیش از همه در اقتصاد به آن اشاره می گردد، ایده کارآفرین در مقام فرد نوآور و مبتکر متعلق به جوزف شومپتر است. از دید شومپتر، کارآفرین «ترکیب های تازه» محصولات، شیوه های تولید، بازارها، منابع عرضه یا ترکیبات صنعتی جدید را ارائه نموده و اقتصاد را از طریق فرآیندی که وی آن را «ویرانگری خلاق» می نامد، از تعادل پیشین خارج می کند. او نقش منبع تغییر اقتصادی را به کارآفرین داد. شومپتر میان کارآفرین و صاحب سرمایه تمایز قائل شد و اقتصاددان های نئوکلاسیک را به خاطر خلط این دو با هم مورد انتقاد قرار داد. کارآفرین از دیدگاه شومپتر اصلا نیازی به تملک سرمایه یا حتی کار در چارچوب یک بنگاه فعال در حوزه کسب و کار ندارد. در نظر او «افراد تنها زمانی به عنوان کارآفرین عمل می کنند که

¹ Neoliberalisme

² Owyken

³ Milton Friedman

⁴ Joseph Schompiter

واقعا ترکیب های جدیدی را به وجود آوردند و به محض آن که کسب و کار خود را شکل داده و همان طور که سایر افراد بنگاه های خود را اداره می کنند، به اداره آن مشغول شوند، ویژگی و شخصیت کارآفرین ها را از دست می دهند، از این رو حتی اگر کارآفرین بتواند با نوآوری، بنگاهی انحصاری را پایه گذاری کند که سودهای نامحدودی را به بار آورد، جریان بهره های کسب شده توسط فرد کارآفرین در نقش کارآفرینانه او بسیار موقتی است (آنتونیسک و هیسریش، ۲۰۰۲).

کرزرنر^۱ (۱۹۸۰) کارآفرینی را به عنوان هوشیاری نسبت به فرصت های کسب سود و آینده نگری برتر می داند. به اعتقاد او موفقیت از داشتن نوعی آگاهی که دیگران از آن بهره مند نیستند، یعنی چیزی ورای چارچوب مشخص بهینه سازی به دست می آید. کارآفرین از دیدگاه کرزرنر مالک سرمایه نیستند. آنها تنها باید نسبت به فرصت های کسب سود هوشیار باشند. از آنجا که این افراد هیچ گونه دارایی ندارند، هیچ عدم اطمینانی را نیز متحمل نمی شوند. البته منتقدین بر این نکته به عنوان نقیصی در مفهوم ارائه شده از جانب کرزرنر اشاره کرده اند (رینولدز، مایکلا و کمپ، ۲۰۰۵).

ب- چگونگی تاثیر سیاست های اقتصادی بر کارآفرینی و یا شاخص های آزادی اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی

اثر بخشی سیاست های عمومی شامل مواردی نظیر: اندازه دولت، کارایی دولت، میزان مقرات فزاینده و بوروکراسی در ایجاد و توسعه کارآفرینی موثر است. دانشمندان کلاسیک- لیبرال در اکثر قریب به اتفاق موارد عبارت اندازه دولت را به معنای گسترده آن یعنی حدی که دولت از طریق مصرف، باز توزیع به واسطه طرح های پرداخت انتقالی، سرمایه گذاری عمومی و اعمال مالیات های نهایی به دخالت در اقتصاد می پردازد، به عنوان شاخصی راضی کننده از آزادی اقتصادی به کار گرفته اند. دلایل بسیاری در این بحث که انتظار می رود اندازه دولت بر اساس مبانی تجربی بر کارآفرینی اثر بگذارد، وجود دارند. (Reynolds, Hay & Micheal, 2005)

در آشکارترین حالت اگر فعالیت های اقتصادی در صنایع یا بخش های خاصی اساسا ملی شده باشند، از محدوده کارآفرینی کاسته می گردد، زیرا ملی سازی غالبا (و البته نه ضرورتا) به معنای ایجاد انحصارگری عمومی خواهد بود. این امر آشکارا در صنایعی از قبیل مراقبت از کودکان، مراقبت های بهداشتی و مراقبت از سالمندان در اکثر بخش های دنیای صنعتی غرب صادق است. کنترل های غیرمستقیم تر دولتی همانند الزام به داشتن مجوز جهت انجام برخی از معاملات خاص نیز می توانند، باعث کاهش فعالیت های کارآفرینی گردد. هر قدر که دولت به میزان بیشتری به سطوح بالای ارائه خدمات مختلف با بودجه عمومی (مثل مراقبت از سالمندان، آموزش،...) و به نظام های گشاده دست تامین اجتماعی وارد شود، انگیزه های ورود به فعالیت های کارآفرینی جهت امرار معاش (آنچه می توان «کارآفرینی بر حسب ضرورت» نامید) نیز به اندازه بیشتری کاهش می یابد، زیرا در این صورت عملا دستمزد حداقلی نسبتا بالایی برای افراد تضمین خواهد گردید.

¹ Kirzner

نظام مالیاتی شامل مواردی نظیر: اندازه مالیات شرکت ها، مالیات نهایی، مالیات بر ارزش افزوده، سهم شرکت الزامی تامین اجتماعی، سیاست رقابتی، مشوق های مالی و سرمایه گذاری عامل موثری در رشد کارآفرینی است.

دولت بزرگ نیازمند تامین بودجه است که این امر دست آخر از طریق وضع مالیات صورت می گیرد. همان طور که هنرکسون به درستی خاطرنشان می کند: برای تحلیل چگونگی اثرگذاری سیستم مالیاتی به رفتار کارآفرینی، تنها تمرکز بر مالیات وضع شده بر صاحبان بنگاه ها کفایت نمی کند. بازدهی حاصل از تلاش های کارآفرینی تا حد زیادی به صورت مالیات بر درآمد دستمزدی مشمول این سیستم قرار می گیرد». یک دلیل این امر آن است که بخشی از درآمد حاصل از شرکت های با مالکیت نزدیک به هم، می توانند در قالب درآمد دستمزدی (بسته به نظام خاص مالیاتی) پرداخت گردد و دیگر اینکه فعالیت های کارآفرینی می توانند توسط کارگرا انجام شوند. بازدهی رفتار کارآفرینی در بنگاه ها (مثل حق خرید سهام، پرداخت بابت پیشرفت کار و ..) در قالب درآمد دستمزدی مشمول مالیات قرار می گیرند.

هندریکسون^۱ (۲۰۰۵) همچنین اشاره می کند که بالا بودن سطح مالیات ها باعث می شود که خدمات مرتبط با خانوارها از دسترس کارآفرین خارج شده و نتوان از آنها در این حوزه استفاده کرد. وی متذکر می شود که «بالا بودن نرخ های مالیات شخصی از ارائه کالاها و خدمات در بازار که جایگزین نزدیکی برای خدمات تولید شده در خانه هستند، جلوگیری می کند.

از دیدگاه فریدمن (۱۹۶۲) نکته مهم در شاخص های آزادی اقتصادی به گونه ای قابل پذیرش، وجود پول مناسب و به ویژه نرخ نوسان تورم است. اگرچه پیش بینی های مربوط به قیمت های نسبی آتی به طور کلی برای تصمیم گیری های اقتصادی حائز اهمیت هستند، اما منطقی است که اهمیت آنها برای کارآفرین ها به نحو خاصی زیاد است؛ چراکه این افراد اساسا بورس بازهایی هستند که درآمد مازادی را به دست می آورند. تورم و به ویژه تورم نامنظم، اثرات پیام دهی قیمت های نسبی را از کار می اندازد. اگرچه این امر ممکن است برای کارآفرین های ریسک دوست به میزان کمتری مشکل تلقی شود، اما بسیاری از افراد کارآفرین و به ویژه آنهایی که برای گذراندن ضروریات یا فعالیت درون بخش های که توسعه یافته به کارآفرینی می پردازند، ریسک گریز هستند (دیورینگ، ۲۰۰۰).

بر اساس گفته کرزنر (۱۹۷۶)، نظارت های عمومی، موردی مهم در شاخص های آزادی اقتصادی است، که مبین فراوانی فعالیت های کارآفرینی می باشد. نظارت ها هم می توانند به کارآفرین هایی که به قوانین آشکار و اعمال پیش بینی پذیر آنها نیاز دارند، کمک کنند و هم می توانند مانع از فعالیت آنها شوند. از سوی دیگر نظارت های گسترده و زیاده از حد فشارهایی را بر تمام بنگاه ها و نه فقط شرکت های تازه کار وارد می آورند که می تواند مانع از ادامه کار آنها گردند.

¹ Henderikson

افزون بر آن ویلیام بامول^۱ (۱۹۹۰) به این نکته اشاره کرد که ممکن است افراد فعال در محیط های اقتصادی دارای نظارت های شدید از ورود به فعالیت های رانت جوینان درون بخش عمومی که وی آنها را «کارآفرینی مخرب» می نامند، بیشتر از ورود به فعالیت های واقعی اقتصادی منتفع شوند (کارلف، ۲۰۰۳).

تجارت بین المللی که دامنه تجارت و موانع تجاری و جریان های سرمایه، هم از طریق جریان های سرمایه گذاری و تجاری واقعی و هم از طریق شاخص های موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای در برابر تجارت و سرمایه را اندازه می گیرد، نیز از شاخص های موثر بر ایجاد و توسعه کارآفرینی است.

سیاست های مرتبط با موسسات خصوصی شامل: برخورداری از حقوق مالکیت فردی و خصوصی، انضباط بخش عمومی، آزادی رقابت، سیاست رقابتی، حفاظت از مالکیت معنوی، کنترل و نظارت بر قیمت ها، اعمال نفوذ و کنترل دولت بر بخش خصوصی در این مقوله قابل بررسی است. مساله ای مرتبط اما معجزا در شاخص کلی آزادی اقتصادی به اعمال حقوق مالکیت، یعنی اینکه این حقوق در گذر زمان تا چه حد امنیت دارد، بازمی گردد. بخش بسیار بزرگی از ادبیات تاریخ اقتصاد، حقوق مالکیت فکری و نوآوری براهمیت تعریف دقیق و اعمال این حقوق در فعالیت های کارآفرینی در سطح خرد و توسعه اقتصادی در سطح کلان اشاره دارد، در این صورت باید انتظار داشت که ویژگی های نهادی از قبیل کیفیت نظاره ها و سیستم قضایی بر سطح کلی فعالیت های کارآفرینی اثر داشته باشند (زیمر، ۲۰۰۲).

ج- اثرات کارآفرینی بر اقتصاد

- کارآفرینی باعث رشد اقتصادی می شود. نتایج تحقیق^۲ GEM که به صورت سالیانه فعالیت های کارآفرینی و تاثیرات آن را در کشور های مختلف مورد بررسی قرار می دهد و هم اکنون در ۲۰ کشور جهان هم صورت می گیرد، نشان می دهد، نرخ رشد اقتصادی یک کشور با سطح فعالیت های کارآفرینان همبستگی مثبت دارد.

- کارآفرینی موجب تخصیص بهینه منابع و استفاده اثر بخش از منابع می شود. کارآفرینی روش مناسبی برای استفاده بهینه از منابع مالی خانواده ها و پس انداز های شخصی است، که در غیر این صورت به قسمت های بی بازده مثل قمار و یا تجمل گرایی انتقال یابد. کارآفرینان از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا جلوگیری می کنند و به واسطه رفتارهای فرصت طلبانه خود اقدام به فرصت سازی برای کلیت نظام اقتصادی می نمایند.

- کارآفرینی موجب اشتغال می شود. کارآفرین با ایجاد کسب و کار کوچک می تواند شغل ایجاد کند. کسب و کارهای کوچک در اقتصاد تایوان ۸۳/۲٪، هنگ کنگ ۸۹/۴٪، سنگاپور ۷۰/۳٪ در مالزی ۴۷٪ و در ایران ۱۰/۱٪ شغل ایجاد کرده اند. اشتغال تبعات مطلوب فزاینده زیادی در اقتصاد دارد. اشخاص شاغل قادر به تامین معاشات، بهداشت و درمان و تحصیل بوده، در نتیجه از میزان فقر، قاچاق، جرم و جنایت، رشوه و ارتشا و سایر مصادیق فساد و هزینه های

¹ William J. Baumol

² General Entrepreneurship Monitor

مبارزه با آنها تقلیل می یابد، ضمن این که با پرداخت مالیات بر درآمد دولت نیز کسب درآمد کرده و منتفع می شود. در نتیجه کارفرین با ایجاد اشتغال موجب افزایش معیارهای GNP و GNP سرانه می شود. این دو معیار می تواند به عنوان شاخص رفاه کشورها باشد. هر چه GNP سرانه کشور بالاتر باشد، نشانه وضعیت بهتر آن کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی است.

- کارآفرینان باعث افزایش رفاه مردم و بهبود کیفیت زندگی آنان می شوند. کارآفرینان پیوسته در حال ابداع محصولات جدید هستند. ماشین آلات بهتر، تولید کیفی و موثرتر، محصولات راحت تر نتایج فعالیت های کارآفرینان است، در نتیجه موجب بهبود استانداردهای زندگی می شوند.

- کارآفرینی موجب کاهش تورم می شود: کارآفرینی باعث راه اندازی کسب و کارهای کوچک و نوین، بهبود فناوری، کارایی تولید به دلیل کاهش هزینه های تولید شده، در نتیجه منجر به افزایش عرضه کل و رسیدن سطح عرضه کل به تقاضای کل شده و یک سیاست ضد تورمی در کنار سایر راهبردها نظیر اتخاذ سیاست های درآمدی، کنترل مستقیم قیمت ها و تعیین و تثبیت نرخ دستمزدها قلمداد شود.

- کارآفرینی موجب توزیع مناسب درآمد می شود. کارآفرینی مانع شکل گیری یک گروه کوچک مرفه و گروه عمده فقیر می شود. این گروه کوچک می توانند توسط کارشان هر روز ثروتمند تر شوند و چنان چه کنترلی بر آنها اعمال نشود، می توانند انحصار ایجاد کرده و بازار را به دست گیرند. کسب و کارهای ایجاد شده توسط کارآفرینان موجب تعدیل این وضعیت شده و باعث می شوند، درآمد به طور متناسب توزیع شود.

- کارآفرینی می تواند منجر به حصول درآمد ملی اشتغال کامل شود. کارآفرینان با ایجاد کسب و کار، عوامل و منابع تولید بیکار را به کار گرفته و باعث کسب درآمد ملی اشتغال کامل می شوند. در این موقعیت یعنی عوامل تولید بدون استفاده نداریم، فاصله عرضه کل از تقاضای کل در سطح درآمد ملی اشتغال کامل حذف و از ایجاد شکاف رکودی پیشگیری می شود. چنان چه شکاف رکودی ایجاد شود، دولت نیز متضرر می شود، چرا که برای حل و یا تعدیل آن ناگزیر به اعمال سیاست های مالی انبساطی است. در حالی که با کارآفرینی نیاز به اتخاذ این سیاست ها نبوده و حتی این کسب و کارها درآمد مالیاتی نیز برای دولت ایجاد می کنند.

- کارآفرینی باعث کسب سود اقتصادی برای دولت می شود. با درآمدهایی که دولت از طریق مالیات، حقوق گمرکی و واگذاری پروانه تولید و کسب و کار از کارآفرینان اخذ می کند، میتواند در پروژه های مختلف مانند ساختن پل، سد، جاده، تسهیلات پزشکی، آموزشی، حفظ مصالح و آرامش عمومی و از این قبیل سرمایه گذاری کند.

- کارآفرینی باعث بالا رفتن میل نهایی به سرمایه گذاری می شود. کارآفرینی باعث بهبود فناوری، به تبع آن کاهش هزینه های تولید و افزایش میزان تولید، در نتیجه افزایش تقاضای کل و پیرو آن افزایش تقاضا برای سرمایه گذاری می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

رویکرد این پژوهش رویکرد تئوریک توصیفی- تاریخی است و در صدد هستیم از طریق تحلیل محتوایی شاخص های اقتصادی مرتبط با کارآفرینی را در کشورهای منتخب با یکدیگر و کشور ایران مقایسه نماییم.

۴- تعریف مفهومی متغیرهای پژوهش

کارآفرین: به تعریف شومپتر کارآفرین، فردی است که مخاطرات یک فعالیت اقتصادی را تقبل، اداره و سازمان دهی می کند (سلجوقی، ۱۳۸۶).

کارآفرینی: نیروی هدایت کننده راه اندازی یک کسب و کار جدید را کارآفرینی گویند. (سالزار، ۱۳۸۰).

توسعه اقتصادی: عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی رشد کمی حاصل خواهد شد، اما در کنار آن نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد. نگرش ها تغییر خواهند کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد (رینولدز، مایکلا و کمپ، ۲۰۰۵).

اقتصاد: علم تخصیص امکانات محدود به خواسته های نامحدود (دسنزو و رابینز، ۱۹۸۹).

بیکار: بیکار به شخصی گفته می شود که حاضر است کار کند ولی شغلی پیدا نمی کند (دسنزو و رابینز، ۱۹۸۹).

بهره وری: عبارت است از به دست آوردن حداکثر سود ممکن با بهره گیری و استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی و... به منظور ارتقاء رفاه جامعه (صفرزاده و فرهنگی، ۱۳۸۶).

سرمایه گذاری: عبارت است از فدا کردن هرگونه ارزشی در حال حاضر به امید به دست آوردن هرگونه ارزشی در زمان آینده (زیمر، ۲۰۰۲).

شاخص های اقتصادی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای مورد بررسی

توانایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز برای توسعه کسب و کار:

سرمایه گذاری خطرپذیر یکی از عوامل مهم در توسعه کارآفرینی است، که منابع تامین آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع، هرچه توانایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز در کشوری بیشتر باشد، توسعه کسب و کار و در نتیجه کارآفرینی در آن کشور بیشتر خواهد بود. در کشورهای مورد مطالعه، سرمایه مورد نیاز کارآفرین از دو منبع اصلی زیر تامین می گردد:

منابع مالی رسمی:

این سرمایه ها از طریق منابع رسمی کشور تامین و در اختیار کارآفرین قرار می گیرد. مانند سازمان های حمایت کننده از کارآفرینان و بانک های مرتبط با توسعه صنایع

منابع مالی غیررسمی:

این بخش از سرمایه توسط خود کارآفرین، بستگان، دوستان و سایر افرادی که می خواهند در پروژه مشارکت داشته باشند تامین می گردد. این بخش از منابع مالی در سراسر جهان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جدول مقایسه توانایی سرمایه گذاری مخاطره پذیر برای کارآفرینی در کشورهای منتخب (مقیاس سنجش ۱-۱۰ است).

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
سرمایه گذاری مخاطره پذیر	۹/۳	۷/۶	۸/۷	۸/۲	۱/۸

منبع: سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، سال ۲۰۱۱

به طور متوسط به ازای هریک دلار سرمایه گذاری از نوع سرمایه خطرپذیری رسمی مقدار ۱/۶ دلار سرمایه گذاری از نوع منابع مالی غیررسمی وجود دارد. میانگین سرمایه گذاری غیررسمی در کشورهای مورد مطالعه ۰٫۹ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهاست که حداکثر آن ۲/۹٪ در سنگاپور و حداقل آن ۰/۵۷٪ در تایوان است. در کشور ما توانایی سرمایه گذاری مخاطره پذیر ۱/۸ اعلام شده که از این میزان ۱/۲ از منابع رسمی و ۰/۶ از منابع غیر رسمی تامین می شود. این آمار حاکی از بالا بودن ریسک سرمایه گذاری، کمبود پشتوانه قانونی و کمبود یا نبود زیر ساختهای لازم و در نتیجه عدم تمایل افراد به سرمایه گذاری در بخش کارآفرینی و راه اندازی بنگاه های کوچک و زود بازده است.

سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل:

شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل، نشان دهنده اهمیت رشد و توسعه کارآفرینی و شرکت های کوچک و متوسط در کشور و قدرت اقتصادی بالای آن است. همان طور که در جدول زیر آمده میزان سرانه تولید ناخالص این کشورها تفاوت کمی با هم داشته و در کل در سطح بالایی قرار دارد.

جدول مقایسه سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای مورد بررسی (ارقام به دلار آمریکا است).

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
سرانه تولید ناخالص داخلی	۴۳۰۰۰	۸۵۰۰	۳۲۰۰۰	۱۸۵۰۰	۴۷۰۰

منبع: سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، سال ۲۰۱۱

به دلیل تاثیر کارآفرینی بر اشتغال شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل در کشورهای منتخب در جدول زیر ارائه شده است.

جدول مقایسه سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل در کشورهای مورد بررسی (ارقام به دلار آمریکا است).

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر شاغل	۸۲۰۰۰	۲۳۰۰۰	۵۰۰۰۰	۴۳۰۰۰	۷۰۰۰

منبع: سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، سال ۲۰۱۱

آمارها نشان می دهد هر نفر شاغل در این کشورها تولید ناخالص بالایی را در سال ایجاد می کند. این شاخص در کشور ما پایین بوده که نشان دهنده بی توجهی به اهمیت رشد و توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط در کشور و قدرت اقتصادی پایین آن است.

نگرش مدیران کشور به کارآفرینی:

باتوجه به اهمیت عملکرد مدیران در تدوین خط مشی ها و اجرای برنامه ها که در گسترش و ترویج کارآفرینی مهم و کارساز است، شاخص چگونگی درک مدیران کشور از کارآفرینی می تواند اثر به سزایی در تحقق این هدف داشته باشد.

جدول مقایسه نگرش مدیران به کارآفرینی در کشورهای منتخب (مقیاس سنجش ۱-۱۰ است).

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
نگرش مدیران به کارآفرینی	۸/۹	۷/۵	۸/۵	۸/۱	۴/۳

منبع: سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، سال ۲۰۱۱

نگرش مدیران به کارآفرینی در کشورهای منتخب بالاست. مدیران این کشورها در سیاست گذاری و برنامه ریزی دریافته اند حقایق باید راهنمای راه باشد نه ایدئولوژی. این کشورها دوران گذار از بوروکراتیک و اداری به کارآفرینی را سپری کرده اند. در کشور ما آمار موجود حاکی از این است که نگرش مدیران نسبت به کارآفرینی مثبت نیست و یا

اگر هم نگرش مثبتی وجود دارد، نگرش ها در حد همان تئوری بوده و ایده های کارآفرینی عملیاتی نشده و ابتر باقی مانده است.

هزینه کل تحقیقات:

تحقیق و توسعه می تواند پدیدآورنده فرصت های تجاری جدید باشد و سبب رشد کارآفرینی و شرکت های کوچک و متوسط شود.

جدول مقایسه هزینه تحقیقات در کشورهای مورد بررسی (ارقام به میلیارد دلار آمریکا است).

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
هزینه تحقیقات	۶	۴/۵	۵/۳	۵	۰/۷

منبع: سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، سال ۲۰۱۱

آمارها حاکی از توجه زیاد کشورهای منتخب به سرمایه گذاری در بخش تحقیقات و توسعه است. متأسفانه هنوز به اهمیت این موضوع در کشور ما آن گونه که باید پرداخته نشده و همچنان از منظر هزینه به این بخش نگرسته می شود.

جدول مقایسه کشورهای مورد بررسی از نظر کارآفرینی (از نظر رتبه در بین ۱۸۳ کشور)

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
کارآفرینی	۱۳	۳۲	۲۰	۱۷	۱۰۹

منبع: بانک جهانی

در کشورهای منتخب کارآفرینی در سطح بالا و بر حسب فرصت هاست. در کشور ما کارآفرینی در بخش خدمات است نه در بخش تولید و آن هم بر حسب ضرورت ها و نه فرصت ها است.

جدول مقایسه سهولت راه اندازی کسب و کار در کشورهای مورد بررسی (از نظر رتبه در بین ۱۸۳ کشور)

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
سهولت کسب و کار	۱	۳۴	۲۳	۲۹	۱۳۷

منبع: بانک جهانی

راه اندازی کسب و کار در کشور سنگاپور طی ۳ روز انجام می شود، حال آن که در ایران این زمان ۳۹۵ روز کاری است.

جدول مقایسه سهم شرکت های کوچک و متوسط از کل شرکت ها در کشورهای مورد بررسی

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
سهم کسب و کارهای کوچک	٪۹۱	٪۸۱/۹	٪۹۶/۳	٪۹۱/۷	٪۹

منبع: بانک جهانی

سهم شرکت های کوچک از کسب و کارهای موجود در کشورهای منتخب بسیار بالا ولی در کشور ما بسیار پایین است. دشواری اخذ مجوز فعالیت، طی رویه های رسمی طولانی و موازی، نداشتن نقدینگی برای شروع فعالیت، سختی رقابت با شرکت های بزرگ به ویژه شرکت های بزرگ دولتی و بی تجربه و کم مهارتی مجریان این بنگاه ها بعضی از عوامل بازدارنده جهت شکل گیری و فعالیت کسب و کارهای کوچک در کشور ما می باشد.

جدول مقایسه میزان اشتغال در شرکت های کوچک و متوسط از کل شاغلین این شرکت ها در کشورهای مورد بررسی

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
میزان اشتغال در کسب و کارهای کوچک	٪۷۰/۳	٪۴۷	٪۸۹/۴	٪۸۳/۲	٪۱۰/۱

منبع: بانک جهانی

جدول مقایسه نرخ بیکاری در کشورهای مورد بررسی

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
نرخ بیکاری	٪۲/۱	٪۳	٪۲/۳	٪۲/۹	٪۲۳

منبع: بانک جهانی

جدول مقایسه نرخ تورم در کشورهای مورد بررسی

نام کشور	سنگاپور	مالزی	هنگ کنگ	تایوان	ایران
نرخ تورم	٪۱/۸	٪۲/۷	٪۲/۳	٪۲/۹	٪۲۷/۳

منبع: سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، سال ۲۰۱۱

در کشورهای منتخب نرخ تورم در حد مطلوب بوده و برای بخش تولید نیز برانگیزاننده است. در کشور ما نرخ تورم بالا است که خود به عنوان مهم ترین عامل بازدارنده برای ایجاد و توسعه کارآفرینی است.

۵- بحث و نتیجه گیری

بررسی شاخص های اقتصادی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای منتخب در این پژوهش، گواه تلاش موفق آنها جهت ایجاد و توسعه کارآفرینی و در نتیجه کاهش بیکاری، حفظ تورم در حد مطلوب و رشد اقتصادی بوده است. همان طور که در جداول نشان داده شده است، برای مثال توانایی سرمایه گذاری مخاطره پذیر در سنگاپور ۹/۳ بوده که از این میزان ۷/۵ از منابع رسمی و ۱/۸ از منابع غیر رسمی تامین می شود. این آمار نشان دهنده پایین بودن ریسک سرمایه گذاری، وجود پشتوانه قانونی و در نتیجه تمایل افراد به سرمایه گذاری در راه اندازی بنگاه های کوچک کارآفرینانه بوده است، در حالی که نامناسب بودن شرایط اقتصادی و حقوقی کشورمان و بالا بودن ریسک اقتصادی باعث شده افراد ترس از دست دادن سرمایه و پس انداز خود را داشته باشند، بنابراین فعالیت های کارآفرینانه شکل نگیرد. کشورهای مورد بررسی به ویژه سنگاپور و هنگ کنگ تحقیق و توسعه را زیر بنای اساسی ایجاد و توسعه کارآفرینی دانسته اند. بررسی ها نشان می دهد، سنگاپور رتبه اول را از بین ۱۸۳ کشور در راه اندازی کسب و کارهای کوچک به خود تخصیص داده است. دریافت مجوز برای راه اندازی کسب و کار کارآفرینانه در کمتر از سه روز در این کشور انجام می شود، این در حالی است که ایران رتبه ۱۷۳ دارد و اخذ مجوز بسیار طولانی و مشمول طی بوروکراسی و موازی کاری می شود. بررسی نگرش مدیران این کشورها به کارآفرینی نشان می دهد، مدیران نه تنها نگرش مثبت داشته، بلکه با تدوین رویه ها و اجرای برنامه هایی نگرششان را به نحو بهینه اجرایی کرده اند. باید گفت نگرش مدیران ما نیز نسبت به کارآفرینی مثبت بوده ولی متاسفانه بیشتر در تئوری ها باقی مانده و کمتر اقدامی صورت گرفته است. مطالعه فرایند توسعه کشورهای مورد بررسی نشان می دهد، نقطه آغاز حرکت این کشورها در روند توسعه و ترویج کارآفرینی ایجاد یک سازمان مسئول و متولی سیاست گذاری کارآفرینی است، که این سازمان خدماتی نظیر مدیریت، امور مالی، تجاری، بازاریابی، مشاوره ای و غیره را انجام می دهد. برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورهای منتخب در این پژوهش در بیانیه توسعه کارآفرینی در کشورشان راهبردهای جهت گیری جهانی، رقابت پذیری، بهبود زیر ساخت های اقتصادی، ارائه تسهیلات به کارآفرینان برای راه اندازی کسب و کار، تشکیل صندوقی برای فعالیت های خاص کارآفرینانه، شفافیت اطلاعات و

دسترسی به اطلاعات، نوآوری در فناوری و مدیریت، تشویق کارآفرینان و ایجاد محیط مناسب از قبیل انجمن ها، اتاق های بازرگانی و فدراسیون انجمن های کارآفرینان زن، حمایت از کیفیت، حمایت از مدیریت محیط زیست و تنظیم و تسهیل شبکه ارتباطات بین عاملین تامین مالی، مشاوره ای و کارآفرینان را اعلام و اعمال کرده اند. این در حالی است که در کشور ما شکاف زیادی بین وضع موجود و مطلوب ایجاد و توسعه کارآفرینی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد. به نظر می رسد، الگو برداری از این کشورها و فراهم سازی بسترهای حقوقی، اقتصادی، فناوری و فرهنگی به عنوان ضرورت توسعه کارآفرینی برای کشور ما نیز مفید فایده خواهد بود. در ایران قوانین و مقررات دولتی، خطر پذیری زیاد مالی، ناتوانی در تامین مالی و موانع مقرراتی و اداری عوامل بازدارنده و ضد انگیزشی برای اهداف کارآفرینی و رشد اقتصادی هستند. بایستی در قوانین بانکی، مالیاتی، قانون کار، قانون تجارت، قوانین مربوط به شروع کسب و کار، اخذ مجوزهای لازم ساخت و ثبت مالکیت تغییرات و تعدیلاتی انجام شود. دولت در این مورد نقش بسیار مهمی می تواند ایفا کند. دولت می تواند با اعمال سیاست های اقتصادی و حقوقی مناسب جهت کاهش ریسک سرمایه گذاری و ایجاد راهکارهای تشویقی در امر تولید، جو روانی امنی برای کارآفرینان به وجود آورد و سرمایه ها را از کارهای واسطه گری به سمت تولید انتقال دهد. امید است مسئولان، سیاستگذاران و برنامه ریزان با عنایت به موارد مذکور اقدامات لازم را جهت ایجاد، توسعه، تشویق و حفظ فعالیت های کارآفرینانه کارآفرینان مولد، مهم و بهره ور فراهم آورند.

منابع

- ۱- خان محمدی، حسین، "چارچوب نگارش طرح کسب و کار" نشریه راه کارآفرینان، مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، مهر، ۱۳۸۷، ص ۲۶-۲۱
- ۲- سلجوقی، خسرو؛ "ساز و کار مدیریت توسعه کارآفرینی در کشور"، طرح ایجاد سازمان کارآفرین؛ ۱۳۸۶، ص ۲۶-۲۸
- ۳- صفرزاد، حسین- فرهنگی، علی اکبر "کارآفرینی"، انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، با همکاری مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶، ص ۳۶-۳۴
- ۴- گزارش اجلاس سرانه دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM)؛ ۲۷ الی ۳۰ دیماه ۱۳۸۶
- ۵- ملیتواس، سالازار، "مقدمه ای بر کار آفرینی"، ترجمه سیامک نطق با نظارت سازمان بهره وری ملی ایران. تهران. انتشارات کوهسار ۱۳۸۰، ص ۲۱-۹
- 6- Antoncic, S & Hisrich, J, Hntra Corporate Entrepreneurship: Programs in American Industry, Cleveland state university, 2002, pp9-17.
- 7-Carine & Pottelsberghe, B, Intrapreneurship and Reinnvention of the Corporation, Business Horizons, 200۴, pp12-19

- 8-Carloff, A, Bench Learning. A New Perspective, Englewood Cliffs, N.J. USA First Pub, 2003, pp38-46.
- 9-DavidA, Decenzo, Stephen, P, Robbins, Personnel and human resource management, third editor, prentice-Hal, 1989, p.78-82
- 10-During, w, Differentiating Entrepreneurs from Small Business Owners: A Conceptualization, Academy of Management Review, No4, Vol 9, 2000, pp25-37
- 11- Gnyawali,D and Fogel, D,(1994), environment for Entrepreneurship Development: key Dimensions and Research Implications, Journal of small Business Management, No 4, Vol 26, pp: 1-17
- 12-Hornsby, J &Kratko, D, & Naffziger. D, Implementing Entrepreneurial Thinking in Established Organization, John Wiley & Sons, 2001, pp: 32-39
- 13- Kuratko,D.F.,Montagno,R.V.;Hornsby,J. S. (1996): Developing an entrepreneurial assessment instrument for effective corporate entrepreneurial environment. Strategic Management Journal, (special issue): 49-58.
- 14- Reynolds P.D, Hay, Michael W.D, Camp, (2005), Global Entrepreneurship Monitor, executive report, Babson Callege, Kauffman Center for Entrepreneurial leadership, London Business school, pp: 7-43
- 15- Zimmer, TW. (2002). "Entrepreneurship and new Venture", Prentice Hall International Edition, pp:58-83

The correlation between economy and entrepreneurship and comparison of entrepreneurship- based economic indicates in selected countries

Abstract:

The effects of entrepreneurship on employment development, technological improvement, investment persuasion, creation of modern business, social welfare improvement and finally on economic improvement is known. A study of entrepreneurship paradigm determines that, economic commentators introduced it as an important strategy long ago. Nowadays, the concept or put in better words, the strategy is the center of attention of many commenter's and as a result, that of establishments and countries as the advantage and competence of companies and countries. The present paper tries to study the correlation between the two concepts, entrepreneurship and economy and accomplish a contrastive study in countries known as "economic Tigers". On the basis of economy development related entrepreneurship indices. Study of risky investment potential indices for business improvement, domestic gross production per head, top executives, viewpoints of entrepreneurship, total study expenditure, business creation easiness, small and medium company's share among total companies, inflation rate and unemployment rate in the countries under study shows a desirable condition in the countries. In this situation For Iran that facing with unemployed qualitative young population, the strategy of creation and improvement of entrepreneurship is a suitable strategy to handle the unemployment crisis, put unused potential in use and make use of pending economic factors. As a result, getting to properly know economic indices effective in entrepreneurship, studying the effects of policies effective in entrepreneurship, getting to know the positive effects of entrepreneurship on economy and studying samples used in processing entrepreneurship in the countries under study could be such a great operational operational guide in planning and policy making about the matter in Iran.

Key Words: entrepreneurship, Risky investment, free economy